
دستورهای زبانی یک دیکتاتور عاشق

مجموعه شعر

کامران رسولزاده



انتشارات فروارید

فہرست

- فصل اول : دیکتاتورى عشق.....۷
- فصل دوم : دموکراسى عشق.....۲۹
- فصل سوم : من بودن، زن بودن.....۴۷
- فصل چہارم : کوتاہ مثل عشق.....۵۷



به زبان دستور داده‌ام

که تو

دستور زبانم باشی،

از امروز

حکم من

دل است،

حالا خودت به زبان خوش

دلت را به من بسپار! وگرنه...

... : سرباز!

[سرباز بُر خورد بین دل‌هایی که روی دستم مانده بود]

... : با توام سرباز! حکم را اجرا کن!

[سرباز خودش را کُشت]

تو با دل سربازهای من چه کرده‌ای؟

تو با دل من چه کرده‌ای...؟